

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
تقدیم به روان پاک زنده یاد عارف بدره

روایتی نو از حکایتی کهن
قصه‌ی عشق
لیلی و مجنون

بر اساس داستانهای از:

حکیم نظامی گنجوی، مولانامکتبی شیرازی

امیر خسرو دهلوی، مولانا جامی، وحشی بافقی و...

جمشید صداقت نژاد (مرید حق)

صدافت‌نژاد، جمشید، ۱۳۲۶ - ، اقتباس‌کننده.
روایتی نو از حکایتی کهن قصه‌ی عشق لیلی و مجنون بر اساس
داستان‌هایی از: حکیم نظامی، گنجوی... / جمشید صدافت‌نژاد (میرد حق). -
تهران: یاد عارف، ۱۳۸۱.

ISBN 964 - 7667 - 42 - 6

۲۸۴ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ سوم: ۱۳۸۴.

۱. داستانهای فارسی - - قرن ۱۴. الف. نظامی الیاس بن یوسف،
۹۵۳۰ - ۱۱۱۴ ق. لیلی و مجنون. ب. عنوان: لیلی و مجنون. د. عنوان:
قصه‌ی عشق لیلی و مجنون.

۸۶۳/۶۲

PIR ۸۱۳۱ / د ۲۵ / ۹

۷۴۷۲ ص

۱۳۸۱

۸۶۰-۸۱م

کتاب‌خانه ملی ایران

لیلی و مجنون

چاپ اول (قطع جیبی) ۱۳۸۴، تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: البرز - چاپ: ماه‌منظر - صحافی: حمید

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۶ - ۴۲ - ۷۶۶۷ - ۹۶۴ - 42 - 6 - 964 ISBN

انتشارات یاد عارف

میدان انقلاب، اول کارگر شمالی، خ فرصت شیرازی، خیابان پیام‌آوران،

کوچه حق‌شناس، پلاک ۱۲، طبقه هم‌کف تلفن: ۶۶۴۲۲۹۸

مرکز پخش:

میدان انقلاب، اول کارگر جنوبی، پاساژ نادر، طبقه زیرین، تلفن: ۶۶۴۹۶۶۴۵

پیش درآمد عشق نامه لیلی و مجنون

زندگی انسان‌ها را مجموعه‌ای از «جدایی» ها تشکیل می‌دهند، و اگر نبود «جدایی» ها «آشنایی» ها مفهومی نداشت، که «جدایی» گل باغ «آشنایی» ست...

«جدایی» سرفصل دفتر عشق است. اگر چه «درس عشق» در دفتر نباشد و از هر زبان که می‌شنوی نام‌گزار است. و یکی از این نام‌گزارها قصه «لیلی و مجنون» است که شاعران توانای اقلیم پهناور ادب ایران (مانند: حکیم نظامی گنجوی، مولانا مکتبی شیرازی، مولانا جامی، امیر خسرو دهلوی، وحشی بافقی و...) نسخ متعددی از این روایت را به صور گوناگون به رشته نظم درآورده و چون عقد مروارید بر گردن تاریخ ادبیات ایران کهن، آویز کرده‌اند.

حدود سی سال پیش، از نگارنده این سطور، خواستند تا «لیلی و مجنون» را به صورت فیلمنامه در آورم. چنان کردم که گفته بودند. و بر اساس آن فیلمی ساخته شد، که بیشتر از آن که بر اساس فیلم نامه حقیر باشد، مبنای کارشان تقلید از فیلمی به همین نام، ساخته سینمای هند بود!

بعدها، هر کس از راه رسید و هر نو قلم و نو رسیده‌ای، «لیلی و مجنون» نوشت و چون شاهدان بازاری، روانه بازار کرد و من دریغ می‌خوردم، که چرا چنین آشفته است بازار نشر کتاب...

مدیر محترم انتشارات «عارف» - که یکی از دلسوزان سینه سوخته و ناشران قدیمی نشر کتاب و حقی فراوان بر گردن ادبیات ایران دارد - اشاره‌ای کرد؛ که: «بنویس» و «نوشتم»! اما:

هنگام نگارش در صدد برآمدم که طرحی نو در سخن اندازم و این داستان را، که پیران ما از پاکان و پاکان ما از راستان، سینه به سینه و آتش قبیله به

آتش قبیله چو نان میرائی گرانبها حفظ کرده بودند، در لباس آراسته‌تری عرضه کنیم، و چنین کردم.

اول آن‌که: «لیلی و مجنون» را از حالت «توصیفی» به حالت «تصویری» ارایه نمودم، تا حالات و روحیات قهرمانان داستان، برای علاقمندان، قابل تجسم باشد و از مطالعه آن لذت مضاعف برند.

و بعد؛ در عوض آن که کتاب یک شاعر را مبنای کار قرار دهم، از سروده‌های پنج فرمانروای ادب پارسی (حکیم نظامی گنجوی، مولانا مکتبی شیرازی، امیر خسرو دهلوی، مولانا جامی، وحشی بافقی) سود بردم، که روایت کامل‌تر شود. و بر آن، روایات کتاب‌های «آداب اللغة العربیه» و «ریحانة الادب» را نیز مزید کردم، با این پیش فرض که؛ هر شاعری، کار شاعر قبل از خود را، به دلایلی در زمان خود، ناکافی و ناقص یافته، که مجدداً به نقل و نظم آن همت گماشته، و الاً اگر جز این است، چرا باید عمر گرانبهایه تلف کند و کاری را که قبل از او پخته و ساخته ترش را شعرای متقدم عرضه داشته‌اند، مجدداً به نظم آورد؟

مزیت دیگر این نوشته، اسقاط روایاتیست که از تصرفات کاتبان - بعضاً کم سواد این نسخ - است و در مقایسه نسخ مختلف دیوان یک شاعر به آسانی چشم می‌آید و از سویی نیز دور از باور عقل سلیم نسل جوان و پُر تکاپوی امروز ایران اسلامیست. در نتیجه؛ روایت حاضر، با توجه به بضاعت کم این قلمزن ناچیز، حاصل عمری سی ساله است که بر آن صرف شده و چنان شیفته این حکایت بودم که نام تنها فرزندم را «لیلا» نهادم و این نوشته را به او و تمام لیلایهای دیگر تقدیم می‌کنم.

جمشید - صداقت نژاد (فرید حق)

سی‌ام آبان ماه هفتاد و شش